

پیشگفتار

به نام خداوند بخشاینده و مهربان. خداوندی که یکتا و یگانه است و برای او ضدّ و همتا و شریکی نیست و همه عالم هستی، آینه تمام‌نمای اویند. فیاض علی الإطلاقی که همه موجودات هستی و امدار فیض او هستند و تنها او را معبود و مقصود خود می‌دانند و نزول همه نیازهای خود را که به صورت مادی و معنوی است، از او می‌طلبند و خداوند نیز سفره عام و گسترده خود را برای همه پهن نموده است. سعدی علیه‌الرحمة زیبا سروده است:

ادیم زمین سفره عام اوست بر این خوان یغما، چه دشمن چه دوست
یکی از سفره‌های پر برکت خداوند، کتاب مبین، سخن آشکار، نور و هدایت، قرآن کریم است که به وسیله آخرین پیامبر و سفیر خود حضرت ختمی مرتبت، محمّد بن عبدالله (ص) برای همیشه بر این جهان و همه انسانها پهن نموده و همه افراد بشر را به بهره بردن از این مائده آسمانی فراخوانده است.

در کنار این سفره، معلمان و آموزگاران قرار داده که بهترین شیوه بهره‌وری از این مائده را به همه مردم جهان بیاموزند و آنان پیامبر و اهل بیت معصوم او (ع) هستند که «عدل» و همتای قرآن قرار داده شده‌اند و تا قیامت از هم گسستنی نیستند تا آنکه کنار حوض کوثر در کنار هم قرار گیرند. علت عدم جدایی آنها این است که هر دو بیانگر و مفسّر قرآن کریم‌اند و بدون نظر و راهنمایی آنان نمی‌توان به معنی واقعی قرآن رسید. از این رو می‌توان گفت که مفسّر واقعی قرآن، رسول اکرم (ص) است، اما در زمان امیرالمؤمنین (ع)، علم تفسیر به صورت یک علم کامل درآمد. بنابراین بیشتر مفسّران، سخن خود را به آن وجود مقدّس نسبت می‌دهند و از آن کانون نور استفاده می‌کنند.

تفسیر در لغت

فَسَّرَ به فتح اوّل و سکون دوم به معنی آشکار کردن است و «فَسَّرَ الأمر» یعنی آن را روشن کرد و آشکار ساخت. استفسار به معنی پرسش برای آشکار شدن است. فَسَّرَ آنگاه که به باب تفعیل می‌رود، همان معنی مجرد خود را تأکید و تقریر می‌کند. بنابراین تفسیر به معنی به خوبی آشکار کردن و از مسئله پوشیده‌ای نیکو پرده برداشتن است. طبرسی می‌نویسد: التّفسیر: کشف المراد عن اللفظ المشکل و التّأویل ردّ احد المحتملين الى ما يطابق الظاهر و التّفسیر البیان، قال ابو العباس المبرّد: التّفسیر و التّأویل و المعنی واحد و قيل: التّفسیر کشف المغطی و التّأویل انتهاء الشیء و مصیره و ما یؤول الیه امره: ¹ «تفسیر عبارت است از آشکار شدن مراد از لفظ مشکل و تأویل عبارت است از رد کردن یکی از دو احتمال به چیزی که مطابق ظاهر است. بنابراین تفسیر عبارت است از بیان. ابو العباس مبرّد می‌گوید: تفسیر، تأویل و معنا هر سه یکی است. قول دیگر این است: تفسیر عبارت است از برهنه کردن چیز پوشیده و تأویل عبارت است از پایان چیزی و هرچه امر به آن باز گردد». راغب نیز آورده است: الفسّر اظهار المعنی المعقول، و منه قيل لما ینبئ عنه البول: تفسیره و سمی بها قارورة الماء و التفسیر قد یقال فیها یختصّ بمفردات الألفاظ و غریبها و فیما یختصّ بالتأویل و لهذا یقال: تفسیر الرؤیا و تأویلها». ² «فسّر اظهار نوعی معنی است که درباره آن تعقل و اندیشه به کار رفته و معقول است و از این واژه کلمه تفسره چیزی است که پزشک با آزمایش ادرار از بیماری خبر می‌دهد، آن را قارورة الماء نامیده‌اند و نیز تفسیر به چیزی که مخصوص بیان مفردات الفاظ و غرایب الفاظ است اطلاق می‌شود و همچنین در آنچه ویژه تأویل است و به این سبب می‌گویند: تفسیر خواب و تأویل آن».

براساس آنچه در معنی لغت گفته شد، تفسیر عبارت است از تلاش و کوشش در راه رسیدن به معانی معقول در آیات قرآن کریم و آنچه در روایات به «بطون» تعبیر شده است. بنابراین چنین نتیجه گرفته می‌شود که قرآن دارای ظاهر و باطن

1. مقدمه، تفسیر مجمع البیان، ص 13.

2. المفردات فی غریب القرآن، ص 380.

است. ظاهر را ممکن است بیشتر یا همه انسانها بفهمند، اما رسیدن به معنای باطن کار هر کسی نیست و نصیب هر کسی نمی‌شود.

نامهای قرآن در قرآن

در قرآن نامهای زیادی برای قرآن ذکر شده که در میان آنها چند نام شهرت بیشتری دارد: قرآن، فرقان، کتاب، ذکر و تنزیل.¹

کلمه قرآن حدود 58 بار در قرآن یاد شده است، مانند «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ»² درباره معنی قرآن و مبدأ اشتقاق آن میان علما اختلاف نظر وجود دارد، شافعی می‌گوید: «قرآن از هیچ مبدئی مشتق نشده، بلکه ابتدا برای کلام الهی وضع شده است. بنابراین مشتق از «قرء» نخواهد بود و الا باید بتوانیم بر هر چیزی که قرائت می‌شود، لفظ قرآن را اطلاق نماییم». زجاج و لحياني واژه قرآن را مهموز می‌دانند، با این تفاوت که زجاج می‌گوید: «قرآن مشتق از «قرء» به معنی جمع و گردآوری است و کلمه «قرء» در جمله «قرأت الماء فى الحوض» به همین معنی است و چون قرآن، جامع و گردآورنده ثمرات کتب پیشین آسمانی است، آن را قرآن نامیده‌اند». قتاده نیز دارای همین رأی و عقیده بوده است؛³ اما لحياني را عقیده بر این است که قرآن مشتق از «قرء» به معنی قرائت است و چون قاری هنگام قرائت، حروف و کلمات آن را به دنبال هم می‌آورد، آن را قرآن نامیده‌اند. بنابراین قرآن مصدری است به معنی مفعول یعنی تلاوت شده و چنانکه کتاب به معنی مکتوب است، قرآن نیز به معنی مقروء است.

کلمه فرقان هفت مرتبه در قرآن در آیه اول سوره فرقان به کار رفته است که منظور از آن در دو مورد، کتاب موسی (تورات) و در دو مورد نیز قرآن است، چنانکه می‌فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» و در موارد دیگر، معنی دیگری دارد. این نام بدین جهت است که قرآن، فارق و جدا کننده

1. تفسیر مجمع البیان، ج 1، ص 14.

2. واقعه / 77.

3. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص 24 به نقل از الإنشقاق.

میان حق و باطل است و آن دو را از هم مشخص می‌سازد. برخی¹ گفته‌اند علت اینکه به این نام نامیده شده، این است که انسان را به نجات نائل می‌سازد، همان‌گونه که در آیه 29 سوره انفال آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از خدا بپرهیزید برای شما (نورانیت درون و) وسیله تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد».

کلمه کتاب در قرآن حدود 250 مرتبه به کار رفته² است که در موارد بسیاری، منظور از آن قرآن کریم است. کتاب در لغت به معنی گرد هم آوردن است و هر نوشته‌ای را از آن روی کتاب می‌نامند که حروف و کلمات در آن گرد هم آمده‌اند. قرآن را هم بدین سبب کتاب نامیدند که انواع آیات، قصص و احکام در آن گرد هم آمده و از جمله آیاتی که واژه کتاب در آن آمده است و منظور از آن نیز قرآن است، آیه یکم سوره حجر است که می‌فرماید: «الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَ الْقُرْآنِ مُبِينٍ» در این آیه شریفه مقصود از کتاب، قرآن می‌باشد و می‌دانیم که نخستین ادله³ اربعه در مسائل فقهی، کتاب است.

کلمه ذکر از واژه‌های اصیل قرآن است و در موارد زیادی مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله آیاتی که ذکر در آن به معنی قرآن آمده است، آیه نهم سوره حجر است که می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ: «ما قرآن را نازل کردیم و ما به طور قطع آن را حفظ می‌کنیم». وجه تسمیه قرآن به ذکر از این روست که خداوند متعال با سخن خود، احکام و فرایض را به بندگان خویش یادآور می‌گردد.³

واژه تنزیل چندین بار در قرآن به کار رفته است که از جمله در آیه 192 سوره شعراء چنین می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ: «به یقین این قرآن از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است». قرآن بدین سبب از این کلمه نام برده که آیات آن از طریق وحی به تدریج بر رسول خدا نازل شده است. چون به عقیده برخی از

1. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص 25، تاریخ قرآن رامیار، ص 23 از قول آرتور جعفری.

2. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص 25.

3. مقدمه تفسیر مجمع البیان، ج 1، ص 14.

محققان کلمه تنزیل از نزول تدریجی قرآن حکایت دارد، همان‌گونه که انزال بر نزول دفعی دلالت دارد.¹

این پنج اسم از نامهای شایع و معروف قرآن است، اما دانشمندان نامهای زیادی را برای آن نقل کرده‌اند، از جمله شیخ طاهر جزایری در کتاب تبیان خود آورده است: حرّالی اسامی قرآن را به نود و اندی رسانده است و نیز سیوطی به نقل از کتاب البرهان زرکشی می‌نویسد: «قاضی شیدله 55 نام برای قرآن ذکر کرده است که می‌توان گفت همه اینها نام قرآن نیست.»²

ارزش و ویژگیهای قرآن

امیرالمؤمنین علی (ع) در ضمن خطبه 198 نهج البلاغه می‌فرماید:

«قرآن نوری است که خاموشی ندارد؛ چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد؛ دریایی است که ژرفای آن درک نشود؛ راهی است که رونده آن گمراه نگردد؛ شعله‌ای است که نور آن تاریک نشود؛ جداکننده حق و باطلی است که درخشش برهانش خاموش نگردد؛ بنایی است که ستونهای آن خراب نشود؛ شفادهنده‌ای است که بیماریهای وحشت‌انگیز را می‌زداید؛ قدرتی است که یاورانش شکست ندارند و حقی است که یاری‌کنندگان مغلوب نشوند.

قرآن معدن ایمان و اصل آن است؛ چشمه‌های دانش و دریا‌های علوم است؛ سرچشمه عدالت و نهر جاری عدل است؛ پایه‌های اسلام و ستونهای محکم آن است؛ نهرهای جاری زلال حقیقت و سرزمینهای آن است؛ دریایی است که تشنگان آن، آبش را تمام نتوانند کشید؛ چشمه‌ای است که آبش کمی ندارد؛ محل برداشت آبی است که هرچه از آن برگیرند، کاهش نمی‌یابد؛ منزلی است که مسافران، راه آن را فراموش نخواهند کرد؛ نشانه‌هایی است که روندگان، از آن غفلت نمی‌کنند؛ کوهسار زیبایی است که از آن نمی‌گذرند.

1. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص 26.

2. همان‌جا.

خدا قرآن را فرونشاندۀ عطش علمی دانشمندان، باران بهاری برای قلب فقیهان و راه گسترده و وسیعی برای صالحان قرار داده است. قرآن دارویی است که با آن بیماری وجود ندارد؛ نوری است که با آن تاریکی یافت نمی‌شود؛ ریسمانی است که رشته‌های آن محکم است؛ پناهگاهی است که قلّه آن بلند است؛ توان و قدرتی است برای آنکه قرآن را برگزیند؛ محل امنی است برای هر کس که وارد آن شود؛ راهنمایی است برای کسی که از او پیروی کند؛ وسیله انجام وظیفه است برای آنکه قرآن را راه و رسم خود قرار دهد؛ برهانی است برای آن کس که با آن سخن بگوید؛ عامل پیروزی است برای آن کس که با آن استدلال کند؛ نجات‌دهنده‌ای است برای آن کس که حافظ آن باشد و به آن عمل کند؛ راهبر کسی است که آن را به کار گیرد؛ نشانه هدایت است برای آن کس که در آن بنگرد؛ سپر نگاه‌دارنده است برای آن کس که خود را با آن پیوشاند؛ دانش کسی است که آن را به خاطر بسپارد؛ حدیث کسی است که از آن روایت کند و فرمان کسی است که با آن قضاوت کند».

آنچه گفته شد سخن شخصیتی است که فرمود: اگر وساده‌ای برایم بگسترند، بر آن بنشینم خبر می‌دهم از آیات قرآن که در شب نازل شده یا در روز و درباره چه موضوعی و چه کسانی نازل شده است.¹ آری، او کسی است که خداوند او را معیار حق و باطل قرار داده است. درباره ارزش و ویژگی قرآن سخنی جامع‌تر از سخن امیر بیان و مفسر واقعی قرآن سراغ نداریم.

در این مقدمه کوتاه به سخن ارزشمند حضرت صادق (ع) درباره تلاوت قرآن و ارزش بلند آن اشاره کنیم: «علیکم بتلاوة القرآن فان درجات الجنة علی عدد آیات القرآن، فاذا کان یوم القيمة یقال لقارئ القرآن: اقرء و ارقأ فکلما قرأ آية یرقی درجة»² «بر شما باد به خواندن و تلاوت قرآن، چراکه درجات بهشت بر تعداد آیات قرآن است. پس آنگاه که روز قیامت فرارسد به قاری و خواننده قرآن گفته می‌شود:

1. نظیر این سخن را بنگرید در: الإیتقان سیوطی، ج 4، ص 233.

2. البیان فی تفسیر القرآن، ص 26 به نقل از الکافی، کتاب فضل القرآن.

بخوان و پرواز کن. پس هر آیه‌ای که می‌خواند به درجه‌ای از بهشت پرواز می‌کند».

تفسیر قرآن و سیر آن در گستره زمان

گفته شد که تفسیر قرآن عبارت از بیان معانی آیات و کشف مقصدها و مدلولهای آن است. اکنون سیر این معنی را در بستر زمان مورد بررسی قرار می‌دهیم:

طبقه اول مفسران مسلمان، جماعتی از صحابه مانند ابن عباس، عبدالله بن عمر و ابی بن کعب هستند. در آن زمان تفسیر عبارت بود از بیان آنچه مربوط می‌شود به جهات ادبی، شأن نزول و مقداری هم از استدلال به معنی آیه‌ای بر آیه دیگر و کمی هم تفسیر به روایاتی که از پیامبر (ص) درباره قصه‌ها، معارف قرآن و موضوع مبدأ و معاد رسیده بود.

این سبک از تفسیر ادامه یافت و تابعان مانند مجاهد، قتاده، ابن ابی لیلی، شعبی و سدّی در دو قرن نخست اسلام، همین راه را پیمودند و چیزی بر آن نیفزودند جز روایاتی، که البته روایات ضعیفی نیز از ناحیه یهود تحت عنوان روایات پیامبر در آنها داخل شد و به دست طبقات مفسران بعد رسید. مباحث کلامی نیز بر اثر اختلاط مسلمانان با غیر مسلمانان و علمای ادیان مختلف افزوده شد. همچنین فلسفه یونان در اواخر حکومت امویها و بعد از آنها حکومت عباسیها در مسائل اسلامی و تفسیری راه یافت.

هم‌زمان با انتشار مباحث فلسفی، انتشار مباحث عرفانی، بسیاری را به سیر در باطن خلقت، توجه به آیات النفس و مسائلی مانند علم اعداد و اوار ساخت. در حالی که می‌دانیم قرآن نه کتاب تصوف است، نه کتاب فلسفه و نه علم اعداد و نجوم، بلکه کتاب زندگی و هدایت است، اگرچه از علوم مختلفی مانند طبیعیات، فلسفه و نجوم نیز ارشاداتی در آن وجود دارد.

با گذشت زمان روش تازه‌ای در تفسیر پیدا شد و آن این بود که پیدایش و کشف علوم طبیعی که مبتنی بر حس و تجربه است، برخی از مفسران را وادار کرد که مسائلی از قرآن مانند عرش، کرسی، لوح، قلم و امثال آن را تأویل نمایند. روشهای مطرح شده یک نقص کلی داشت و آن عبارت از این است: نتایج مباحث

علمی و فلسفی را که بعضاً هیچ ارتباطی با قرآن ندارند، بر قرآن تحمیل می‌کنند و به آن نسبت می‌دهند و در واقع تفسیر به صورت تطبیق درمی‌آید، با آنکه قرآن خود را چنین معرفی می‌کند: هدایت جهانیان، نور آشکار، تبیان هر چیزی. به علاوه قرآن کتاب فصیح و بلیغ و بدون تعقید و پیچیدگی است، حتی آیات متشابه و احکام آن بر اساس فطرت، فهم، استعداد و قدرت عملی انسان نازل شده و هیچ حکم تحمیلی که فوق طاقت انسان باشد در آن وجود ندارد.¹ بهترین راه برای رسیدن به معانی بلند قرآن، بیان اهل بیت (ع)، است که همتا و عدل قرآن‌اند و طبق بیان پیامبر هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند.²

به طور کلی مفسران بزرگوار روشهای مختلفی در تفسیر قرآن در پیش گرفتند. بعضی از آنها بیشتر به جنبه ادبی قرآن پرداخته‌اند مانند تفسیر تبیان، مجمع البیان، کشاف و اعراب القرآن. بعضی نیز در تفسیر به مسائل فلسفی بیشتر پرداخته‌اند مانند تفسیر ملاصدرا. برخی از مفسران هم بیشتر به جنبه روایی آن پرداخته‌اند مانند تفسیر برهان، نور الثقلین، الدر المنثور و یک نوع تفسیر نیز بیشتر به تفسیر آیه به آیه پرداخته است مانند تفسیر المیزان که در واقع قرآن را مفسر و مبین خود می‌داند. قرآن کریم از آیات و سوره‌ها تشکیل شده است که هر کدام از این دو، دارای معنی لغوی و اصطلاحی ویژه‌ای هستند.

معنای لغوی آیه

آیه که جمع آن آیات است در چند معنی به کار رفته است که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

1. علامت و نشانه؛ همان‌گونه که در سوره بقره، آیه 248 چنین آمده است: «إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ» کلمه آیه در خود این آیه به معنای نشانه

1. اقتباس از مقدمه تفسیر المیزان، ج اول.

2. اشاره به حدیث ثقلین که پیامبر (ص) فرمود: اُنّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی و... لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض. تفصیل حدیث را بنگرید در: البیان، آیت الله خویی، ص 499، مصادر حدیث الثقلین.

آمده است.

2. جماعت؛ همان گونه که عرب می گوید: خرج القوم بآیتهم: «قوم همگی خارج شدند».

3. امر عجیب و شگفت آور.¹

آیه از تعدادی از حروف، کلمات و یا جمله‌ها تشکیل شده است. شناخت آیات قرآن توقیفی است، یعنی حدود و مرزهای آیات را می‌توان از طریق بیان شارع و پیامبر اسلام شناخت و اجتهاد و اظهار نظر شخصی درباره آن روا نیست، همان گونه که ترتیب آیات در سوره‌های قرآن با ارشاد و راهنماییهای پیامبر اسلام صورت گرفته است، یعنی ترتیب آیات نیز توقیفی است.²

معنای لغوی سوره

در این قسمت نیز معانی مختلفی گفته شده از جمله اینکه سوره از سور به معنی حصار و باروی شهر است و چون سوره قرآن، آیاتی را احاطه کرده و آنها را گرد هم و به صورت واحدی در آورده است، این نام بر آن اطلاق می‌شود. معنای دیگر اینکه سوره از سوار، معرب دستواره (دستبند) است و چون سوره قرآن مانند دستواره، آیاتی از قرآن را دربر گرفته، سوره نامیده شده است. این واژه به معنای مقام و منزلت رفیع نیز آمده است.³

معنای اصطلاحی سوره

جعبری می‌نویسد: «سوره بخشی از آیات قرآن می‌باشد که دارای آغاز و انجرامی است».⁴ دیگران در تعریف گفته‌اند: سوره بخشی از آیات قرآن است که میان دو

1. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص 66، نقل از روض الجنان.

2. ر.ک: پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص 64 با عنوان: تعریف اصطلاحی آیه.

3. برای آگاهی بیشتر از معنای لغوی سوره نک: تاریخ قرآن رامیار، ص 577-579.

4. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص 84.

«بسمله» قرار دارد.¹ نیز می‌دانیم که کمترین عدد آیات یک سوره با سه آیه سوره کوثر و بیشترین آن، با 286 آیه سوره بقره است.

درباره تعداد سوره‌های قرآن، رقمهای 112، 113، 114، 115 و 116 نقل شده است. ولی عدد پذیرفته شده نزد بیشتر محققان اسلامی، رقم 114 است. در این باره روایتی از رسول اکرم (ص) نقل شده که فرمود: «جميع سور القرآن مائة و أربع عشرة سورة و جميع آیات القرآن ستة آلاف آية و مائتا آية و ست و ثلاثون آية و جميع حروف القرآن ثلاثمائة ألف حرف واحد و عشرون ألف حرف و مائتان و خمسون حرفاً لا يرغب في تعلم القرآن إلا السُّعَدَاءُ و لا يتعهد قراءته إلا أولياء الرحمن»² «مجموع سوره‌های قرآن به رقم 114 می‌رسد و شمار آیات قرآن 6236 آیه و همه حروف آن به 321250 حرف می‌رسد. به تعلم این قرآن، جز نیک‌بخشان روی نمی‌آورند و قرائت و تلاوت آن را جز اولیای خداوند متعال به عهده نمی‌گیرند».

یادآور می‌شویم که اختلاف در عدد سوره و آیات قرآن موجب تحریف و کم و زیاد بودن قرآن نیست، زیرا همه، قرآن را عبارت از «ما بین الدفتین» یعنی آنچه در بین دو جلد قرار گرفته می‌دانند که در همه جا به صورت واحد وجود دارد. اختلاف از آنجا ناشی می‌شود که برخی آیه بزرگی را یک آیه می‌دانند و برخی دو آیه و برخی دو سوره ظاهری را یک سوره می‌شناسند و برخی دو سوره. برخی حروفی را که نوشته نمی‌شود مثل الف اسحق و اسمعیل را به حساب نمی‌آورند و برخی به حساب می‌آورند و همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، ترتیب آیات و سوره‌های قرآن، ترتیبی توقیفی است و کوچک‌ترین ارتباطی با ترتیب نزول آیات ندارد.

اکنون در بحثهای مقدماتی به همین جا بسنده می‌شود و یادآور می‌گردد که آنچه در این قسمت از تفسیر قرآن کریم می‌آید، نگارنده در طول سالهای 1370 تا 1380 در دانشکده الهیات و ادبیات دانشگاه الزهرا (س) با عنوان تفسیر 1 و 2 و 3 و 4 تدریس کرده‌ام که این درسها عبارت‌اند از: تفسیر سوره‌های حج، نور، مؤمنون، حجرات، واقعه، جمعه، طارق، اعلی، اخلاص، فلق و ناس. اکنون پس از بازنگری

1. همان‌جا، به نقل از الإیتقان.

2. تفسیر مجمع البیان، ج 10، ص 614.

این مباحث، آن را آماده چاپ نموده‌ام تا همه از انوار نورانی قرآن بهره‌مند گردند. در این دروس قرآنی به روش کلاسیک، نخست نام سوره، تعداد آیات و فضیلت تلاوت مطرح شده، سپس آیه، ترجمه، لغات و نکات ادبی و ترکیبی ذکر شده است. سپس اگر شأن نزولی در آیه باشد به آن اشاره شده و در پایان به بحث تفسیری، گاهی به اختصار و در بعضی از موارد به طور تفصیل اشاره شده است. نکته قابل ذکر آنکه اگر در خصوص جزئیات مطالب تفسیری این کتاب مانند معانی لغات، اختلاف قرائات، اقوال تفسیری و پیامهای آیات به ذکر سندهای جزئی اقدام نشده به سبب رعایت اختصار در سندهای بوده، ولی مدارک این مطالب همگی از تفاسیر ادبی، روایی، فلسفی و عرفانی که در کتابنامه آمده، برگرفته شده است.

از مدیریت محترم سازمان «سمت» جناب آقای دکتر احمد احمدی که امکان چاپ این کتاب را فراهم کرده‌اند و همچنین از جناب آقای دکتر مجید معارف که متن کتاب را ویراستاری علمی نموده‌اند، سپاسگزارم. خداوند همه را به انوار قرآن هدایت و قرآن را در دنیا رفیق و در برزخ، مونس و در آخرت، شفیع ما قرار دهد و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

قدرت الله مشایخی

ذی حجة الحرام 1430

آذر ماه 1388